



Foundations of Altruistic Behavior in the Holy Quran; According to al-Mizan

Kosar Ramezani¹, Fatemeh Vojdani², Ebrahim Noei³

Doi:
10.30497/esi.2025.247316.1870



Abstract

Self-sacrifice is the highest social moral values and virtues, which, in addition to the spiritual and personal development of the individual, leads to the provision of collective benefits and helps to solve social problems and the cohesion of society. Although the effects and benefits of self-sacrifice have been investigated, the conceptualizing the self-sacrificing behavior still needs to be carefully examined. The purpose of the research is to explain the foundations of altruistic behavior in the Holy Quran based on the Al-Mizan. To achieve the goal, 26 analysis units (selected verses) in their context (324 verses) in Al-Mizan were analyzed analytically. Based on the findings, cognitive foundations and emotional-attitude foundations were obtained, each in six axes (cognitions and emotions towards God, towards oneself, towards the life of this world, towards the afterlife, towards others, and towards the altruistic behavior) were categorized and analyzed. Also, practical commitment was discussed as another foundation. It was also found that the existence of faith traits (such as: benevolence, honesty, keeping promises, patience, etc.) also facilitate the issuance of selfless behavior. All achieved cases was placed under the concept of faith. Also, it was found that the realization of this situation requires a primary emotional purity (absence of emotional obstacles such as arrogance, superiority, and rebelliousness) that enables submission to the truth. According to the results of this research, selfless behavior is a complex behavior that originates from multiple sources, and the educational program for cultivating selflessness should be carefully designed according to this behavior's foundations.

Keywords

Self-sacrifice, altruism, Holy Qur'an, al-Mizan, Allameh Tabatabai.

1. M.A student in the Theoretical Foundations of Islam, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

kosar.ramezani15@gmail.com

2. Associate Professor of Theology and Religious Studies Faculty (Corresponding author), Shahid Beheshti University.

f_vojdani@sbu.ac.ir

3. Associate Professor of Theology and Religious Studies Faculty, Shahid Beheshti University. Tehran, Iran.

e_noei@sbu.ac.ir

مبای‌ی رفتار ایثار‌گرا‌نه در قرآن کریم براساس تفسیر المیزان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

کوثر رمضانی^۱

فاطمه وجدانی^۲

ابراهیم نوئی^۳

Doi: 10.30497/esi.2025.247316.1870

چکیده

ایثار از والاترین ارزش‌ها و فضایل اخلاقی-اجتماعی است که علاوه بر رشد معنوی و شخصیتی فرد، منافع جمعی را نیز تأمین و به حل مشکلات اجتماعی و انسجام جامعه کمک می‌کند. باوجود اینکه تاکنون، آثار و فواید ایثار به‌میزانی نسبتاً زیاد بررسی شده، شناخت رفتار ایثار‌گرا‌نه هنوز نیازمند به بررسی دقیق است. هدف از پژوهش حاضر، تبیین مبای‌ی رفتار ایثار‌گرا‌نه براساس آیات قرآن کریم و تفسیر المیزان است و بدین منظور، ۲۶ واحد تحلیل (آیات منتخب) در تفسیر المیزان بررسی تحلیلی شده‌اند. مبای‌ی شناختی و عاطفی-گرایشی به‌دست‌آمده، هرکدام در شش محور (شناخت‌ها و عواطف به خدا، خود، زندگی دنیا، حیات اخروی، دیگران و رفتار ایثار‌گرا‌نه) دسته‌بندی و تحلیل شدند؛ همچنین التزام عملی به‌عنوان یکی از دیگر مبای‌ی بررسی و مشخص شد وجود صفات ایمانی مانند خیرخواهی، صداقت، وفاکردن به عهد و صبر نیز صدور رفتار ایثار‌گرا‌نه را تسهیل می‌کنند. درنهایت، تمام موارد به‌دست‌آمده ذیل مفهوم ایمان جای گرفت. دیگر یافته تحقیق پیش‌روی آن است که تحقیق‌یافتن این وضعیت به طهارت نفسانی اولیه (نبودن موانع نفسانی همچون تکبر، برتری‌طلبی و سرکشی) نیازمند است که خضوع در برابر حق را امکان‌پذیر می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد رفتار ایثار‌گرا‌نه، پیچیده و نشئت‌گرفته از مبای‌ی چندگانه است و برنامه تربیتی برای پرورش ایثار باید با توجه به مبای‌ی این رفتار به‌صورت دقیق طراحی شود.

واژگان کلیدی: ایثار، فداکاری، قرآن کریم، تفسیر المیزان، علامه طباطبایی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی مبانی نظری اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

kosar.ramezani15@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

f_vojdani@sbu.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

e_noei@sbu.ac.ir

مقدمه

ارزش‌هایی مانند همدلی، تعاون، مسئولیت‌پذیری و ایثار از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی- اجتماعی هستند که علاوه بر تحقق‌بخشیدن رشد معنوی و شخصیتی فرد، منافع جمعی را نیز تأمین و به حل مشکلات اجتماعی، و ایجاد و تقویت انسجام جامعه کمک می‌کنند. از میان این ارزش‌ها به‌ویژه ایثار باعث می‌شود انسان‌ها از مرحله خودخواهی، فراتر بروند و نیازها، منافع و مصالح بقیه اعضای جامعه را در اولویت قرار دهند.

ایثار را می‌توان والاترین ارزش و فضیلت اخلاقی دانست (تهرانی، ۱۴۰۰، ص. ۷۲-۷۴). معنای لغوی واژه «ایثار» عبارت است از برگزیدن، ترجیح‌دادن، اختیارکردن و برتری‌دادن چیزی بر چیز دیگر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، «ایثار»). در اصطلاح عالمان اخلاق، ایثار به معنای خود را برای تأمین آسایش دیگران به‌رنج‌افکندن (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، «ایثار»)، دست‌شستن از حقوق و منافع خویش، و مقدم‌داشتن دیگران بر خود (علیزاده، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۰) است. در زبان فارسی نیز فداکاری و ایثار یعنی دیگری را بر خود برتری‌دادن و سود او را بر سود خویش مقدم‌دانستن، و قوت لازم و مایحتاج خود را به دیگری بخشیدن (عمید، ۱۳۸۹، «ایثار»؛ بدین ترتیب، ایثار، صفت و ملکه فاضله‌ای بالاتر از مواسات، نوع‌دوستی و عدالت به‌شمار می‌آید (مطهری، ۱۳۵۸، ص. ۷). ایثار بالاترین درجه احسان^۱ و عالی‌ترین مرتبه سخاوت (نراقی، ۱۳۷۸، ص. ۴۰۷) است.

رفتارهای ایثار‌گرا‌نه کم‌وبیش در جوامع مختلف با هر ایدئولوژی‌ای وجود دارند و تحسین اعضای جامعه را برمی‌انگیزند. براساس فرمایش علامه طباطبایی، این مسئله ریشه‌های فطری دارد؛ چون فطرت انسان به‌گونه‌ای خاص آفریده شده است که همواره اعمال نیک را از اعمال بد تشخیص می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۶)، به احسان بر انسانیت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۳)، حق‌طلبی، و دفع ظلم از بیچارگان و مستضعفان جامعه تمایل فطری دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۴، ص. ۶۷۲) و البته درعمل، به‌دلیل تقابل و تداخل با منافع و نیازهای شخصی و حتی تقابل با میل انسان به بقا، خوددوستی و نظایر آن با دشواری‌های زیادی روبه‌روست.

۱. «الایثارُ احسنُ الإحسانِ»، «الایثارُ اعلی‌ الإحسانِ» و «الایثارُ أشرفُ الإحسانِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳، ج. ۱، ح. ۳۹۹).

ایثار با هر انگیزه‌ای صورت گیرد، عبور از فردگرایی افراطی را نشان می‌دهد و مرتبه‌ای از ارزش را داراست (فلسفی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۶۲)؛ البته در نظام اخلاقی اسلام با توجه به اهمیت حُسن فاعلی و نیت در تعیین ارزش اخلاقی، رفتارهایی که از انگیزه‌های مختلف نشئت می‌گیرند، ارزش برابر ندارند. رفتار ایثارگرانه نیز ممکن است برپایه دلایل و انگیزه‌های گوناگونی صورت گیرد که از جمله آن‌ها موارد ذیل را می‌توان برشمرد: در اثر تحریک عواطف فطری همچون همدلی و ترحم ازسوی دستگاه‌های تبلیغاتی جامعه؛ از روی میهن‌پرستی و تعصبات حزبی، قومی و قبیله‌ای؛ برای جلب تحسین دیگران و کسب شهرت، به‌منظور دریافت پاداش دنیوی و اخروی؛ عشق به خدا. هریک از این موارد می‌توانند به فداکردن جان هم بینجامند.^۱ رفتار ایثارگرانه پیچیده است و شناخت مبادی آن به بررسی‌های دقیق نیاز دارد.

تاکنون، کوشش‌های نسبتاً زیادی برای شناخت چیستی و فواید ایثار صورت گرفته؛ اما شناخت خود رفتار ایثارگرانه، نیازمند به بررسی دقیق است. در نگاه دینی، ایثار علاوه بر اینکه رفتار یا فضیلتی ارزشمند است (تهرانی، ۱۴۰۰، ص. ۷۳-۷۴)، نوعی وظیفه برای مؤمنان محسوب می‌شود؛ زیرا مفهوم ایثار ذیل حقوق اهل ایمان مطرح شده و به دیگر سخن، حقی است که تکلیفی در برابر آن قرار دارد؛ بدین نحو که برآوردن نیاز مؤمن در سه مرتبه صورت می‌گیرد: نخست، برآوردن نیاز او با استفاده از مازاد هزینه‌های زندگی خود؛ دوم، ایجاد تساوی میان مؤمن و خود در استفاده از درآمد؛ سوم، تقدم‌بخشیدن مؤمن بر خود در استفاده از درآمد (تهرانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۰-۲۱۰). در این راستا، خداوند متعال حتی بر ایثار جانی هم به‌صورت فداکردن جان برای دفاع از جامعه اسلامی و حفظ جان اعضای جامعه اسلامی تأکید و امر فرموده و سرپیچندگان از این کار را نکوهیده است؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»^۲؛ از این روی، در برنامه تربیت اخلاقی - اجتماعی با رویکرد اسلامی، لازم است بخشی از اهداف و برنامه‌ها معطوف به تقویت فضیلت ایثار باشد؛ به‌خصوص از آن جهت که امروزه،

۱. رک: مطهری، ۱۳۸۰، ص. ۹۸.

۲. قرآن کریم، توبه، ۳۸.

فرهنگ جوامع به‌سوی فردگرایی پیش می‌رود و شاهد افزایش فردگرایی در جامعه هستیم (چلبی، ۱۳۷۵، ص. ۱۱۷-۱۱۹). نخستین گام برای تقویت یک رفتار پیچیده، شناسایی مبای آن رفتار است.

هر رفتاری از دو مبدأ معرفتی و گرایشی نشئت می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۳) و رفتار ایثارگرانه نیز به‌عنوان عملی آگاهانه و ارادی از این قاعده مستثنا نیست. با توجه به تفاوت داشتن جهان‌بینی و مبانی معرفتی در رویکردهای مختلف، ضروری است رفتار ایثارگرانه نیز با رویکرد اسلامی بررسی شود. غالب نظریه‌های تربیتی موجود در کشور که در سیاست‌گذاری‌های تربیتی مؤثرند، مبتنی بر مبانی غیراسلامی هستند (قانع و عصاره‌نژاد دزفولی، ۱۳۹۶)؛ لذا می‌توان با مراجعه به آیات قرآن کریم، مبای رفتار ایثارگرانه را دریافت.

هدف از پژوهش حاضر، تبیین مبای رفتار ایثارگرانه براساس آیات قرآن کریم است. برای درک مفهوم آیات از تفسیر المیزان استفاده کرده‌ایم که در آن به نقش زمینه و سیاق توجه شده است. این اثر گراند، محتوای علمی قوی و جهت‌گیری اجتماعی دارد، برای بررسی عمیق مسائل اجتماعی و اخلاقی مناسب است (واعظی، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۲) و به‌اعتقاد استاد مطهری، بهترین تفسیر نگاشته‌شده از آغاز اسلام تا امروز در جامعه شیعیان و اهل سنت به‌شمار می‌آید (مطهری، ۱۳۸۶، ج. ۲۵، ص. ۴۲۹)؛ لذا برای این تحقیق، مناسب به‌نظر می‌رسد.

پیشینه پژوهش

در مطالعات صورت‌گرفته دربارهٔ ایثار، عمدتاً به مفهوم‌شناسی این واژه پرداخته شده (مانند روانستان، ۱۳۸۶؛ رفیعی، ۱۳۹۴؛ حسنی قره‌تپه، ۱۴۰۰؛ علیزاده، حسینی میرصفی و شیرازی، ۱۴۰۰) و بررسی مبای رفتار ایثارگرانه موردتوجه نبوده است. در برخی پژوهش‌ها نیز به‌صورت تحلیلی‌تری به مفهوم ایثار پرداخته شده؛ مثلاً عزیزی (۱۳۹۳) مواردی را تحت عنوان مؤلفه‌های ایثار (شامل باورداشتن به ارزش ایثار، رفتار ایثارگرانه در ارتباط با نیازمندان از طریق بذل مال، ایثار جان در راه خدا، و حاکمیت توحید) مطرح کرده است. وی در این تحقیق، صرفاً به برخی مبای شناختی اشاره کرده؛ اما مبای گرایشی را مدنظر نداشته است. بهرامی (۱۳۹۵) با تکیه بر دیدگاه امام خمینی و

مقام معظم رهبری و نیز وصایای شهدا نشان داده فداکاری در انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس، متأثر از تعلیمات اسلام و تبعیت از ائمه اطهار (ع) و به ویژه قیام حضرت سیدالشهدا (ع) و عشق به آن امام والامقام بوده است؛ بنابراین، در تحقیق خویش ایثار در دوران دفاع مقدس را بررسی کرده و عمده‌تاً از آرای امام خمینی و وصایای شهدا بهره گرفته است. حبیب‌زادگان (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود، مبانی فلسفی ایثار (توحید، بصیرت، میل به کمال و جاودانگی، و اعتقاد به معاد) را تبیین کرده است. عباسی و جوادی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای نقش همدلی در شکل‌گیری رفتارهای دگرخواهانه را از دیدگاه دنیل بتسون بررسی و آن را با آرای دیگر اندیشمندان مقایسه کرده‌اند. آنان در پژوهش خویش، نگرانی همدلانه را عامل ایجاد انگیزه دگرخواهی دانسته‌اند. خبازیان قراملکی و شجاعی (۱۳۹۷) هم در مقاله‌ای تفاوت‌های ایثار و نوع دوستی را از منظر روان‌شناختی بررسی کرده و به مبادی شناختی آن پرداخته‌اند. آقامحمدی (۱۳۹۸) نیز در مقاله خود، ابتدا با مراجعه به متون اسلامی، ده مؤلفه را برای ایثار اجتماعی شناسایی کرده و سپس دریافته است در اسناد تحولی، گسترش عدالت‌طلبی در جامعه با ۲۲۸ مورد و مقدم‌داشتن دیگران بر خود با شانزده مورد به ترتیب، بیشترین و کمترین میزان انعکاس مؤلفه‌های ایثار را در اسناد تحولی به خود اختصاص داده‌اند. سلیمانی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای مفهوم، نقش و آثار ایثار اخلاقی در متون مقدس ادیان ابراهیمی را بررسی کرده و خوانساری (۱۴۰۳) نیز در مقاله خود، سه دلیل عمده را برای صورت‌گرفتن ایثار بر شمرده است: نتیجه‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی. در مجموع، در آثار مذکور، به مبادی شناختی و عاطفی ایثار به طور کامل پرداخته نشده و صرفاً به جنبه‌هایی از بحث به صورت نسبتاً پراکنده اشاره شده است؛ همچنین در این پژوهش‌ها تمرکز بر آیات قرآن کریم دیده نمی‌شود.

از سوی دیگر، برخی پژوهشگران مانند خسروی (۱۳۹۱) و وجدانی (۱۳۹۱) دیدگاه‌های اخلاقی علامه طباطبایی و تفسیر المیزان را بررسی کرده‌اند؛ اما به طور اختصاصی به مبحث ایثار نپرداخته‌اند. این گونه پژوهش‌ها نیز با وجود اینکه به صورتی محدود به روشن‌شدن برخی ابعاد مسئله کمک می‌کنند، برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، کافی نیستند. با توجه به پیشینه ذکر شده، بررسی دقیق مبادی رفتار ایثارگرانه در قرآن کریم براساس دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به درک عمیق‌تر

مفهوم ایثار کمک می‌کند.

سؤالات و روش تحقیق

در این تحقیق، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که در قرآن کریم و بنابر تفسیر المیزان، رفتار ایثارگرانه دارای چه مبادی‌ای است. برای پاسخ‌دادن به سؤال ذکرشده، ابتدا محتوای آیات مربوط به این موضوع را در تفسیر المیزان تحلیل و سپس یافته‌ها را با استفاده از نظرات علامه طباطبایی در آثار ایشان تکمیل کردیم.

در نخستین گام، آیاتی را بررسی کردیم که مشخصاً حاوی هم‌خانواده‌های واژه «ایثار» هستند؛ همچنین به شناسایی و استخراج آیاتی مبادرت کردیم که گرچه مستقیماً واژه «ایثار» یا هم‌خانواده‌هایش در آن‌ها وجود ندارد، به‌لحاظ محتوایی با مفهوم ایثار ارتباط دارند (مثلاً مصداقی از رفتار ایثارگرانه را دربر دارند یا در آن‌ها به رفتارهای ایثارگرانه همچون جهاد امر شده است)؛ سپس کلیه آیات موردنظر با استفاده از تفسیر المیزان دقیقاً بررسی شدند و به‌صورت هدفمند، آیاتی که طبق تصریح علامه طباطبایی در این تفسیر، حاوی رفتار ایثارگرانه بودند، به‌عنوان نمونه‌های مناسب برای تحقیق انتخاب شدند. در مجموع، تعداد آیات شناسایی‌شده (مصادیق رفتار ایثارگرانه بنابر تفسیر المیزان) ۲۸ مورد بود. با توجه به اینکه برخی آیات پشت‌سر هم آمده بودند و با هم یک موضوع واحد را مطرح می‌کردند، درنهایت، آیات به دست‌آمده به‌صورت ۲۶ واحد تحلیل درآمد.

همه آیات مذکور همراه سیاق خود (بنابر دسته‌بندی آیات قرآن کریم در تفسیر المیزان)، از قرآن استخراج شدند و هر آیه در سیاق خود بررسی شد؛ بدین ترتیب، در مجموع، ۳۲۴ آیه را در این تحقیق بررسی کردیم (جدول ۱).

جدول ۱. آیات منتخب اصلی مربوط به رفتارهای ایثارگرانه

ردیف	آیه	آیات ابتدا و انتهای سیاق	تعداد آیات
۱	وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (قرآن کریم، الحشر، ۹)	۱ تا ۱۰	۱۰
۲ و ۳	وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا (قرآن کریم، الانسان، ۸-۹)	۱ تا ۲۲	۲۲
۴	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ زَنُوفٌ بِالْعِبَادِ (قرآن کریم، بقره، ۲۰۷)	۲۰۴ تا ۲۰۷	۴
۵	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (قرآن کریم، توبه، ۱۱۱)	۱۱۱ تا ۱۲۳	۱۳
۶	الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (قرآن کریم، بقره، ۲۷۴)	۲۷۴ تا ۲۷۶	۱۴
۷ و ۸	لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ*... وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ (قرآن کریم، توبه، ۸۸ و ۹۲)	۸۱ تا ۹۶	۱۶
۹	وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (قرآن کریم، بقره، ۱۵۴)	۱۵۳ تا ۱۵۷	۵
۱۰	وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ (قرآن کریم، آل عمران، ۱۶۹)	۱۶۵ تا ۱۷۱	۷
۱۱	الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (قرآن کریم، توبه، ۲۰)	۱۷ تا ۲۴	۸
۱۲	لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (قرآن کریم، النساء، ۹۵)	۵۹ تا ۷۰	۱۲
۱۳	مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (قرآن کریم، احزاب، ۲۳)	۹ تا ۲۷	۱۹
۱۴	وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ	۱ تا ۶	۶

ردیف	آیه	آیات ابتدا و انتهای سیاق	تعداد آیات
	وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ (قرآن کریم، محمد، ٤)		
١٥	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ (قرآن کریم، صف، ٤)	١ تا ٩	٩
١٦	تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (قرآن کریم، صف، ١١)	١٠ تا ١٤	٥
١٧	وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (قرآن کریم، بقره، ١٩٠)	١٩٠ تا ١٩٥	٦
١٨	فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (قرآن کریم، نساء، ٧٤)	٧٦ تا ٧٦	٦
١٩	قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (قرآن کریم، توبه، ٢٤)	١٧ تا ٢٤	٨
٢٠	وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (قرآن کریم، آل عمران، ١٦٧)	١٦٥ تا ١٧١	٧
٢١	وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (قرآن کریم، الأحزاب، ١٢)	٩ تا ٢٧	١٩
٢٢	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (قرآن کریم، توبه، ٣٨)	٣٨ تا ٤٨	١١
٢٣	فَرَحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (قرآن کریم، توبه، ٨١)	٨١ تا ٩٦	١٦
٢٤	بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (قرآن کریم، الأعلى، ١٦)	١ تا ١٩	١٩
٢٥	وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (قرآن کریم، النازعات، ٣٨)	١ تا ٤١	٤١
٢٦	وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (قرآن کریم، النازعات، ٤٠)	١ تا ٤١	٤١
جمع آیات			٣٢٤

پس از مراجعه مجدد و مطالعه عمیق تر تفسیر المیزان، داده های مورد نظر، متناسب با سؤالات تحقیق فیش برداری شد. کلیه داده ها به صورت دقیق کدگذاری و دسته بندی شدند و مبادی مختلف رفتار ایثارگرانه، انواع رفتار ایثارگرانه و نظایر آنها مشخص شد. در مرحله بعد، مطالب به دست آمده، از طریق مطالعه دیگر کتاب ها و آثار علامه طباطبائی همچون بررسی های اسلامی و اصول فلسفه و روش رئالیسم تکمیل شد؛ سپس مطالب باهم نگری شدند و بعد از رفت و برگشت مکرر میان یافته ها، متن آیات قرآن کریم و تفسیر المیزان، در نهایت، جمع بندی یافته ها صورت گرفت. شایان ذکر است که در این تحقیق برای ذکر ترجمه آیات از ترجمه المیزان سید محمدباقر موسوی همدانی استفاده کرده ایم.

یافته ها

در پی مطالعه آیات منتخب در سیاقشان مشخص شد در قرآن کریم بر دو نوع ایثار تصریح شده است: یکی ایثار مالی و دیگری ایثار جانی (شهادت). پس از بررسی این رفتارهای ایثارگرانه، داده ها در هفت محور بدین شرح دسته بندی شدند: شناخت ها، پاکی و طهارت نفس اولیه، عواطف، گرایش ها و انگیزه ها، نتیجه ایمانی، فضایل نفسانی ذیل ایمان و صورت بندی ایثار در این آیه؛ سپس خروجی رفتاری به دست آمد. در ادامه، به سبب محدودیت مجال، سه نمونه (درخصوص ایثار مالی و جانی) از نحوه تحلیل و تکمیل جدول ها را آورده ایم (جدول های ۲ تا ۴).

جدول ۲. نمونه تحلیل و استخراج مبادی رفتار ایثارگرانه (مالی)

آیه اصلی: وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا (قرآن کریم، انسان، ۸-۹) واحد تحلیل: هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا (۱) إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳) إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَ سَعِيرًا (۴) إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶) يُوفُونَ بِالْأَنْدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷) وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا (۹) إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوسًا قَمَطِرًا (۱۰) فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (۱۱) وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا (۱۲) ... وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا (۲۰) عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضَرٌ وَاسْتَبْرَقٌ وَ حُلُوفٌ أَسَاوِرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَ سِقَاهُمْ زَبَبًا طَهُورًا (۲۱) إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (۲۲)

ادامه جدول ۲

شناخت‌ها	خود را بنده و مملوک پروردگار دانستن و باورداشتن به اینکه خلق و امرشان در دست اوست و خودشان مالک نفع و ضرری برای خود نیستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۰)؛ باور به اینکه مشیت بنده وابسته به اراده الهی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۵)؛ دیدن آیات الهی که دال بر وحدانیت خدا و حقانیت معاد هستند و توجه به دعوت الهی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۵) و فهم دعوت عقل و فطرت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۷)؛ منکشف شدن حق برای انسان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۸)؛ باورداشتن به وعده الهی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۳)؛ فهم این مسئله که فقط خدا اهلیت و استحقاق عبادت شدن را دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۴)؛ پروردگار خود را صبح تا شام به یادداشتن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۲)؛ تشخیص خیربودن عمل صالح (حُسن فعل) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۹)؛ دچار تردید نشدن با دیدن لشکر دشمنان و برعکس؛ انفاق را حق الله و حق الناس دانستن؛ قتال و جهاد در راه خدا را مکروه و ناگوار ندانستن؛ کشته شدن در راه خدا را به معنای رسیدن به فضل الهی دانستن
پاکی و طهارت نفس اولیه	هدایت فطری بشر بدان معنا که خدا بشر را به نوعی آفریده و هستی‌اش را به الهامی مجهز کرده که با آن الهام، اعتقاد حق و عمل صالح را تشخیص می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۶)؛ پیروی از فطرت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۶)
عواطف، گرایش‌ها و انگیزه‌ها	محبت به خدا (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۳) و در پی جلب رضایت او بودن، ترس از روز قیامت، تنها ترس از خدا، تنها امید به خدا (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۵)؛ شوق رسیدن به کرامت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۶)؛ سعادت و کمال وجودی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۸)؛ شوق رسیدن به وعده الهی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۳)؛ از هواوهوس‌های کفار پیروی نکردن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۲)؛ انجام دادن عمل خیر به خاطر خدا، رسولش و روز جزا (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۰)؛ انجام دادن عمل خیر به جهت خیربودن آن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۹) و بدون داشتن چشم داشت و انتظار تشکر (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۹)؛ اجابت دعوت فطرت و عقل (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۷)؛ حب طعام به خاطر شدت احتیاج به آن^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۲)

۱. مؤید این معنا آیه شریفه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» است.

ادامه جدول ۲

نتیجه ایمانی	تسلیم اراده خدا بودن و تصمیم قلبی گرفتن برای عمل کردن به واجبات (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۲)؛ مقدم داشتن اراده خدا بر اراده خود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۰)
فضایل نفسانی ذیل ایمان	اخلاص (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۵)؛ صبوری درمقابل هوای نفس ^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۹) و زحمت اطاعت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۰)؛ شکرگزاری (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۵)؛ وفا کردن به عهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۲)؛ شب زنده داری (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۲)
صورت بندی ایثار در این آیه	ترجیح دادن خدا و رسول خدا بر خود؛ ترجیح دادن نیاز غذایی دیگران بر نیاز غذایی خود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۷-۱۹۹)
خروجی رفتاری	دادن طعام مورد نیاز خود به مساکین، یتیمان و اسیران (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۵)

مورد دوم نیز بدین صورت است:

جدول ۳. نمونه تحلیل و استخراج مبادی رفتار ایثارگرانه (جانی)

آیه اصلی: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (قرآن کریم، بقره، ۱۹۰) واحد تحلیل: وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۹۰) وَقَاتِلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَآخَرُجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوَكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَوْكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلَوْكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۱۹۱) فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۹۲) وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۹۳) أَلَشَّهْرُ الْحَرَامِ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۴)	
شناخت ها	تنها خدا را سرپرست و یاور خود می دانند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۰)
پاکی و طهارت نفس اولیه	تمایل و درک فطری درخصوص حقانیت دفاع و قصاص (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۸۰)
عواطف، گرایش ها و انگیزه ها	جهاد برای جلب محبت و رضای خدا و تقرب به او (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۸۸-۹۴)؛ تمایل به اقامه دین و اعلاى كلمه توحيد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۸۸)؛ تحمل کردن اذیت های کفار در راه خدا (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۹)؛ در پی کمال خود بودن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۹)؛ تبعیت از حکم فطرت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۰۲)؛ تمایل به دفع ظلم و احسان بر انسانیت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۳)

۱. علامه صبر را بر سه قسم تقسیم کرده است: صبر در برابر مصیبت، صبر در طاعت و صبر بر مصیبت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۲۰۶).

ادامه جدول ۲

نتیجه ایمانی	خالص و حقیقی بودن ایمان به خدای سبحان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۷-۹۸)؛ ایمان به روز جزا (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۱)؛ ایمان به وعده الهی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۸)
فضایل نفسانی ذیل ایمان	اخلاص (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۲۰۵)؛ صبری در مقابل هوای نفس (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۹۹) و زحمت اطاعت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۲۰۰)؛ شاکر بودن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۹۵)؛ وفا کردن به عهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۲۰۲)؛ شب‌زنده‌داری (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۹۲)
صورت‌بندی ایثار در این آیه	گذشتن از جان خود برای دفاع از حق
خروجی رفتاری	قتال کردن در راه خدا با کسانی که با آن‌ها قتال کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۸۷)؛ دفاع از جان، مال و ناموس مسلمین (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۹۹)

مورد سوم را به عنوان نمونه تحلیل در جدول ۴ می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۴. نمونه تحلیل و استخراج مبای‌دی رفتار ایثار‌گرا‌نه (جانی)

آیه اصلی: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (قرآن کریم، بقره، ۲۰۷) واحد تحلیل: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُ الْخِصَامِ (۲۰۴) وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (۲۰۵) وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمِهَادُ (۲۰۶) وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲۰۷)	
شناخت‌ها	تفکر در آثار و کشف باطن آن‌ها (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۳)؛ عزت مطلق و پایدار را از ناحیه خداوند دانستن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۵)؛ در دل، فقط به پروردگار خود اندیشیدن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۷)
پاکی و طهارت نفس اولیه	-
عواطف، گرایش‌ها و انگیزه‌ها	میل به رسیدن به سعادت آخرت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۳)؛ جلب رضایت خدا (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۷)؛ به پروردگار خود افتخار کردن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۷)
نتیجه ایمانی	ایمان بسیار خالصانه (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۳)
فضایل نفسانی ذیل ایمان	اخلاص (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۳)
صورت‌بندی ایثار در این آیه	ترجیح دادن خدا بر خود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۷)
خروجی رفتاری	به‌خطر انداختن جان خود برای حفظ جان پیامبر و دین حق ^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۹)

۱. در آمدالی شیخ از علی بن الحسین (ع) روایت شده که ذیل جمله: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ...» فرموده است: این جمله درباره علی (ع) نازل شد که در شب هجرت، در بستر رسول خدا (ص) خوابید (طوسی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۵ به نقل از طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۱۴۹).

پس از تکمیل جدول، برای تک تک واحدهای تحلیل، باهم‌نگری داده‌ها صورت گرفت و مبادی رفتار ایثارگرانه براساس تفسیر آیات در سیاقشان در *المیزان* به‌دست آمد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

مبادی شناختی

یکی از مبادی عمل ارادی، علم و آگاهی است. از دیدگاه علامه طباطبایی، هر فعل ارادی‌ای با اندیشه انجام می‌شود و از شعور انسان، مخفی نیست (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج. ۲، ص. ۱۸۱). واسطه‌گری علم باعث می‌شود انسان، فعلی را که کمال خود تشخیص می‌دهد، از فعلی که به‌زعم او کمالش نیست، جدا کند تا فعلی را که کمال خود می‌داند، انجام دهد و فعل دیگر را ترک کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۱۶۴)؛ پس عمل ارادی انسان، مسبوق به وجود سلسله اندیشه‌هایی در اوست (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج. ۲، ص. ۱۷۳). وقتی علم قوی باشد، عمل قوت می‌گیرد و هرگاه علم، صالح باشد، عمل هم صالح می‌شود؛ برعکس، در صورت ضعیف یا فاسد بودن علم، عمل هم ضعیف یا فاسد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۵۷۷). رفتار ایثارگرانه نیز از این قاعده مستثنا نیست و تابع معرفت است. براساس یافته‌های تحقیق، معرفت‌هایی که در صورت پذیرفته شدن از سوی نفس به ظهور رفتار ایثارگرانه می‌انجامند، به‌طور خلاصه در جدول ۵ آمده‌اند:

جدول ۵. جمع‌بندی مبادی شناختی رفتار ایثارگرانه

مصادیق	محورهای بُعد شناخت
- فهمیدن آیات دال بر توحید و معاد؛ آگاهی از حقانیت خدا و دستورهای فرستاده او - مالکیت را از آن خدا دانستن (مالکیت بر اموال و مالکیت حقیقی وجود، قوا و افعال انسان‌ها) - توجه به تدبیر ربوبی خدا - باورداشتن به این مسئله که خداوند متعال، ولی، سرپرست و یاور حقیقی است - علم به اینکه خدا بر همه چیز احاطه دارد و اجر مؤمنان را ضایع نمی‌کند - علم به رئوف بودن بودن خدا - اراده و قدرت الهی را مافوق تمام اراده‌ها دانستن؛ پیروزی و تسلط خدا بر دشمنان - باور به این مسئله که عزت مطلق فقط از جانب خداست - علم به این مسئله که مرگ و زندگی بندگان، تنها به‌دست خداست	شناخت خدا

محو‌رهای بُعد شناخت	مصادیق
	- به‌یادداشتن مقام پروردگار؛ توجه و انقطاع به‌سوی پروردگار؛ بسیار به‌یاد خدا بودن - درک کلمات حقّی که از جانب پروردگار و از طریق رسل و انزال کتب به دست بشر رسیده است - لازم‌الاجرا دانستن اطاعت از دستورهای الهی - توجه به دعوت عقل و فطرت - علم به این مسئله که تنها از طریق صبر در برابر مشقت‌ها می‌توان به مدارج تعالی و رحمت پروردگار رسید
شناخت خود	- خود را بنده، مملوک و مقهور پروردگار دانستن و اعتقادداشتن به این مسئله که خلق و امرشان به‌دست اوست و خودشان مالک نفع و ضرری برای خود نیستند - بصیرت‌یافتن به نقاط ضعف و لغزش‌های خود
شناخت زندگی دنیا	- زندگی دنیا را ناپایدار دانستن (اعتقادداشتن به این مسئله که همه انسان‌های روزی از دنیا خواهند رفت و بازگشت همه به‌سوی خداست) - اندک و پایان‌پذیر دانستن بهره‌مندی‌های زندگی دنیایی؛ ناپایدار بودن خوشحالی‌های دنیایی
شناخت زندگی اخروی	- باورداشتن به دستیابی به حیات طیبه و حضور نزد پروردگار پس از مرگ - باورداشتن به آغاز حیات حقیقی با شهادت و همچنین زنده‌بودن و روزی‌یافتن شهدا نزد پروردگارشان - باقی، پایدار و جاودانه دانستن آخرت و نعمات آن - باور به بخشیده‌شدن پس از شهادت و کسب شایستگی برای ورود به بهشت
شناخت دیگران	- مؤمنین را برادر خود دانستن - دشمنان را باطل دانستن
شناخت رفتار ایثار‌گرا‌نه	- علم به باقی و محفوظ بودن (ضایع‌نشدن) عمل - جهاد و کشته‌شدن در راه خدا را حیات دانستن و آن را مرگ و نابودی به‌شمار نیاموردن - کشته‌شدن در راه خدا را رسیدن به فضل الهی دانستن و آن را نعمت و عذاب قلمداد نکردن - باور به اجر عظیم برای کشته‌شدن یا کشتن در راه خدا - علم به این مسئله که فرار از جنگ، سودی ندارد - جهاد در راه خدا را معامله‌ای پرسود دانستن - قاتل بودن به مبارزه و جهاد برای دفاع از حق فطری خود

محورهای بُعد شناخت	مصادیق
	- درک فواید اخروی انفاق - باورداشتن به خیر و حق بودن انفاق (حق الله و حق الناس بودن انفاق) - باورداشتن به زیاده شدن و برکت یافتن مال بعد از بذل آن (آگاهی از فواید دنیوی بذل مال)

التزام عملی

با وجود اینکه معرفت، شرط لازم برای عمل است، علم به خودی خود برای عمل، کافی نیست. علامه طباطبایی با اشاره به آیه «وَجَعَلُوا بِهَا وَاسْتَقْنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ» تأکید می‌کنند علمی ملازم با هدایت است که توأم با التزام عالم به مقتضای علمش باشد و به دیگر سخن، او به آن عمل کند؛ اما اگر فرد عالم بدان سبب که نمی‌تواند از هوای نفس خود چشم‌پوشد، ملتزم به مقتضا و لوازم علم خود نباشد، چنین علم و یقینی باعث اهتدای او نمی‌شود و حتی با انکار منافاتی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۸، ص. ۲۶۴).

به نظر علامه، التزام عملی با ایمان تأمین می‌شود و ایمان، صرف ادراک و علم نیست؛ بلکه پذیرش ویژه‌ای از ناحیه نفس در خصوص آن چیزی است که درک کرده و بدان علم یافته است. این پذیرش ویژه باعث می‌شود نفس در برابر آن ادراک و آثاری که آن را اقتضا دارد، تسلیم شود. نشانه دارابودن چنین پذیرشی این است که دیگر قوا و اعضا و جوارح آدمی نیز مانند خود نفس در مقابل آن ادراک و آثارش تسلیم می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۱، ص. ۴۸۴)^۲ و این خضوع قلبی و عملی در برابر حق، التزام عملی می‌آورد و به بروز رفتار می‌انجامد؛ لذا علامه منشأ عمل صالح را ایمان دانسته (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۱، ص. ۱۹۷ و ۲۹۹) که مشخصاً عبارت است از ایمان به توحید، نبوت، معاد و دیگر اصول عقاید و اعمال عبادتی و احکام تشریعی و امضایی آن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۵، ص. ۲۵۸).

براساس یافته‌های تحقیق، التزام عملی در خصوص رفتارهای ایثارگرانه در آیات

۱. قرآن کریم، نمل، ۱۴.

۲. طبق فرمایش علامه، صرف علم به چیزی و یقین به حق بودن آن، برای حصول ایمان کفایت نمی‌کند؛ بلکه فرد باید ملتزم به مقتضای علم خود نیز باشد؛ به طوری که آثار عملی علم، هر چند فی الجمله از وی بروز کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۸، ص. ۳۸۸).

مربوط بدین شرح به‌دست آمد:

- پذیرش دعوت حق؛ لبیک‌گفتن به خدا؛ کاملاً تسلیم‌شدن در برابر اراده خدا؛
مقدم‌داشتن اراده خدا بر اراده خود؛ تسلیم‌شدن و مطیع‌بودن در مقابل دستورهای خدا،
رسول و اولی‌الامر؛

- اجابت دعوت فطرت و عقل؛

- عزم و همت بلند داشتن برای جهاد و شهادت؛ قصدکردن یاری خدا و رسول؛
تصمیم‌اساسی گرفتن برای یاری‌دادن رسول خدا در جنگ.

زمینه اولیه (طهارت نفسانی)

همان‌گونه که گفتیم، انسان برای عمل‌کردن طبق معرفت خود باید به محتوای معرفتش ایمان بیاورد و به عبارت دیگر سخن حق را بپذیرد. برای تحقق‌یافتن این هدف، طهارت نفسانی و نبودن مانع نفسانی ضرورت دارد. خداوند متعال در سوره مبارکه نمل به افرادی اشاره می‌فرماید که حق برایشان شناخته و ثابت شده بود؛ اما برتری‌طلبی و ستمگری‌شان اجازه نمی‌داد آن را بپذیرند: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا»؛ یعنی: «دین خدا را انکار کردند با اینکه در دل به حقانیت آن یقین داشتند؛ ولی چون ظالم و سرکش بودند، زیر بار آن نرفتند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۸۴).

انسان از ابتدا فطرتی پاک و ملکوتی دارد که او را برای پذیرش سخن حق آماده می‌کند.^۱ این طهارت اولیه به معنای سلبی و عبارت از آلوده‌نبودن و خباثت‌نداشتن نفس است؛ البته گاه نیز از طهارت نفسی سخن می‌گوییم که به صفات پسندیده و نیک آراسته شده است (طهارت به معنای وجودی) و این مسئله با اختیار و اراده انسان محقق می‌شود؛ مثلاً مراد از تزکیه و طهارتی که طبق سوره مبارکه شمس، در آغاز، نفس انسان از آن بهره‌ای ندارد^۲ نیز همین است که یک ویژگی ممتاز وجودی محسوب می‌شود، کمال نفس به شمار می‌آید، انسان قابلیت دریافت آن را دارد و با همت و اراده در جهت کسب آن می‌کوشد؛ آن‌گاه پس از دستیابی به این ویژگی، مصداق «مَنْ زَكَّاهَا» می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۳۰). در این

۱. قرآن کریم، نمل، ۱۴.

۲. رک: وجدانی، ایمانی، اکبریان و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۹۱.

۳. «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا» فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (قرآن کریم، شمس، ۷-۱۰).

قسمت، همان طهارت سلبی و پاکی اولیه و فطری موردنظر است. آلودگی‌های نفسانی همچون موارد ذیل، مانع پذیرش سخن حق به‌رغم فهم آن می‌شوند: عناد و لجبازی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۸۲ و ۴۹۰ و ۵۸۷)؛ تکبر؛ انصاف و خضوع‌نداشتن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۳۲۵؛ ج. ۶، ص. ۱۱۷؛ ج. ۷، ص. ۱۲۱)؛ استکبار از حق و عصیت بر باطل (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۶، ص. ۱۱۷)؛ غرور و ستمگری (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۱۸۹)؛ تعصب (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۴۶۰؛ ج. ۱۷، ص. ۳۴۹). درخصوص ایثار نیز خداوند متعال هنگام مطرح کردن برخی مصادیق رفتارهای ایثارگرانه به طهارت نفسانی این افراد اشاره می‌کند. براساس یافته‌های تحقیق، ویژگی‌های نفس طاهر جهت پذیرش حرف حق و ارتکاب رفتار ایثارگرانه بدین شرح به‌دست آمد: حق‌گرایی و در نتیجه، گرایش به پذیرش سخن حق، به‌رسمیت‌شناختن حقوق فطری، حق دفع ظلم، و...؛ خضوع و خشوع در برابر خدا (و در نتیجه، تسلیم و التزام به انجام‌دادن اوامر الهی همچون ایثار).

مبادی عاطفی-گرایشی-انگیزشی

برای انجام‌دادن عمل، وجود گرایش هم ضرورت دارد و بنابراین، یکی دیگر از مبادی عمل ارادی، شوق است. پس از آنکه فاعل دانست فعل خاصی برای او خیر و باعث کمالش است، شوق به ارتکاب آن فعل در او ایجاد می‌شود؛ زیرا خیر همیشه محبوب است و اگر فاعل، فاقد آن باشد، بدان شایق خواهد شد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج. ۲، ص. ۱۸۷). درمیان عواطف گوناگون انسان، حبّ و بغض بسیار مهم است. به‌اعتقاد علامه طباطبایی، تمام رفتارهای انسان را حبّ و بغض تنظیم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۹، ص. ۱۵۶). این مسئله جنبه فطری دارد و انسان، مفطور به حبّ جمیل است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۵۶۱). وقتی چیزی را کمال خود می‌دانیم، به آن علاقه‌مند می‌شویم. حبّ، تعلقی خاص و انجذابی شعوری، مخصوص بین انسان و کمال اوست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۶۱۸). محبت ما در بعضی اقسام آن، طبیعی، در بعضی دیگر، خیالی و موهوم، و در بعضی دیگر از نوع عقلی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۶۲۰)؛ مثلاً انسان خیال می‌کند چیزی کمال اوست و به آن علاقه‌مند و مجذوب می‌شود؛ مانند دنیاگرایان که لذات مادی را کمال خود می‌دانند. بر مبنای آنچه گفتیم، انسان‌ها با توجه به

جهان‌بینی خود و این مسئله که چه چیزی را کمال خویش می‌دانند، به امور مختلفی شیفته و دل‌بسته می‌شوند و آن‌ها را هدف اصلی خود در زندگی‌شان قرار می‌دهند و بقیه اهداف زندگی را فرع بر آن‌ها می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۱۴۸)؛ البته علاقه داشتن به مادیات اگر به اندازه باشد، نه تنها مذموم نیست؛ بلکه برای زنده ماندن انسان و بقای نسل او ضرورت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۱۴۸)؛ ولی نباید در این علاقه‌مندی افراط کرد؛ به طوری که تمام هم‌وغم انسان، تأمین نیازهای مادی‌اش باشد و او از کمال معنوی و حقیقی خویش و هدف از خلقتش غافل شود. در آن سوی طیف، طبق آیه شریفه «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (قرآن کریم، بقره، ۶۵) افرادی هستند که به خدا باور و ایمان دارند و محبتشان به ذات الهی شدیدتر و قوی‌تر از محبت آنان به امور دنیایی است؛ به عبارت دیگر، محبت حقیقی، مبتنی بر ایمان است. براساس دیدگاه علامه می‌توان محبت را نیز از مؤلفه‌های ایمان دانست؛ چون ایشان ایمان را نوعی دل‌بستگی و تعلق نفسانی به یک مضمون ادراکی قلمداد کرده‌اند که سبب تسلیم شدن روح و بدن انسان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۱، ص. ۳۷۶). علامه هنگام تشریح مسلک اخلاقی اسلام، پایبندی مؤمنان به ارزش‌های اخلاقی را مبتنی بر محبت، عشق و شور به خداوند متعال دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۵۴۲).

محبت و عشق، مقولاتی همچون حبّ خود (اعم از حبّ بقا، حبّ کمال، حبّ لذات، لذت‌جویی و سعادت‌طلبی)، حبّ خدا و حبّ دیگران را شامل می‌شود که هرکدامشان مراتبی دارند؛ پس فردی که در زندگی‌اش صرفاً نگرش مادی دارد و تنها هدف او رسیدن به لذات دنیوی است، طبیعتاً برای انجام دادن هر کاری در درجه اول، منافع دنیایی خود را می‌سنجد و چه بسا که از دیگران نیز برای دستیابی به اهداف خود بهره‌برداری کند؛ برعکس، کسانی که معتقدند عالم، صنع خداست و خدا این جهان را آفریده تا راه و وسیله‌ای برای رسیدن به جهان باقی باشد، برای اهداف دنیایی، اصالت قائل نیستند و طوری برای زندگی‌شان برنامه‌ریزی می‌کنند که هم در دنیا سعادتمند باشند و هم در آخرت که حیاتی ابدی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۶، ص. ۲۸۶). آنان در مراتب بالای معرفت و محبت، تمام توان و همت خویش را به کار می‌گیرند تا رضایت محبوبشان را حاصل کنند.

در این میان، یکی از مصداق‌های رضایت الهی، دوست داشتن دیگران و محبت به آن‌هاست؛ زیرا به اعتقاد علامه، محب، همه متعلقات محبوب خود را نیز دوست دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۶۲۰)؛ از این روی، انسان همواره می‌کوشد تا با دوست داشتن مخلوقات خدا مورد محبت او قرار گیرد. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «خدا می‌فرماید: "مردم خانواده من هستند؛ پس محبوب‌ترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربان‌تر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند"» (کلینی، ۱۳۶۲، ج. ۵۸۹).

براساس یافته‌های تحقیق، مبادی عاطفی، گرایشی و انگیزشی انسان اینارگر را می‌توان به صورت خلاصه در قالب چند محور نشان داد که در جدول ۶ آمده است:

جدول ۶. جمع‌بندی مبادی عاطفی- گرایشی- انگیزشی رفتار اینارگرانه

محورهای عواطف	مصادیق
نسبت به خدا	- محبت خالصانه به خدا؛ دوست داشتن خدا بیش از جان و مال خود - رأفت قلبی در پذیرش رحمت و کرامت خدا - تمایل به جلب رضایت خدا، تقرب به خدا، محبوب خدا شدن و قصد وجه‌الله داشتن - امید خالصانه داشتن به خدا و رحمت الهی - تمایل به یاری کردن دین خدا، اقامه دین و اعتلای کلمه توحید - تمایل به دریافت اجر الهی - تنها ترسیدن از خدا و مقام الهی؛ ترسیدن از دوری از رحمت الهی؛ ترس از زوال نعمت و رحمت
نسبت به خود	- شوق دستیابی به خیر و سعادت و کمال حقیقی خود - تمایل به تحمل سختی‌ها و تحمیل آن‌ها بر خود - شوق رسیدن به رزق‌های بیشتر و اجر الهی در دنیا - شوق آمرزیده شدن گناهان از طریق جهاد و شهادت - خوف‌نداشتن از کشته شدن در راه خدا - بی‌اعتنایی به هوای نفس - ترجیح دادن منافع مهم‌تر و ماندگارتر به تأمین نیازهای مادی خود - گرایش به دفاع از حقوق و منافع خود براساس حکم فطرت

ادامه جدول ۶

زندگی دنیا	- پرهیز از دنیاپرستی - دل‌بستگی نداشتن به مادیات و لذایذ مادی
حیات اخروی	- شوق رسیدن به سعادت اخروی (حیات طیبه، نعمت دائم، مغفرت و رحمت الهی) - اشتیاق به سربلندشدن در آزمون الهی - ترس از روز قیامت و عذاب‌های اخروی
نسبت به دیگران	- دوست داشتن رسول خدا و تمایل به اطاعت از اوامر او - دوست داشتن مؤمنان مهاجر؛ احساس برادری با مسلمانان - خیرخواهی برای دیگر مؤمنان؛ پرهیز از عداوت و حسادت به برادران ایمانی - احساس حسادت و خشم نداشتن از شخص پیامبر (ص) به دلیل بخشیدن اموال به مؤمنان نیازمند - بی‌زاری از دشمنان خدا حتی اگر از خویشان آن‌ها باشند؛ محبت نداشتن به مشرکان - تمایل نیافتن به هواوهوس کفار و دشمنان خدا - تمایل به پیروزی در جنگ و تسلط بر دشمنان خدا - غیرت، تعصب و جدیت در نجات دادن بیچارگان و مستضعفان - دل‌نگرانی برای جامعه و احساس مسئولیت درقبال آن - شوق رسیدن به جامعه مطلوب و حکومت بدون ظلم، جور و فساد
نسبت به رفتار ایتارگرانه	- دوست داشتن عمل خیر به جهت خیربودن آن (نه برای دریافت پاداش) - تمایل به دفع ظلم و احسان بر انسانیت - دوست داشتن جهاد در راه خدا؛ اندوه و حسرت شدید به سبب نداشتن توان شرکت در جهاد - کراهت از انجام دادن عملی که خدا نمی‌پسندد

بنابراین، دستور خداوند متعال مبنی بر ایتار مال یا جان در اصل، مطابق با فطرت پاک انسان است؛ ولی مشوق‌های بیشتر، دشواری‌های ناشی از تعارضات ظاهری را برطرف می‌کنند و انگیزه‌ای قوی‌تر را برای گذشتن از لذایذ مادی و حیات دنیوی فراهم می‌آورند.

صفات و ملکات ایمانی

هنگامی که انسان مؤمن و ملتزم، به انجام دادن اعمال صالح مبادرت می ورزد و این کار را در زندگی خود ادامه می دهد، تکرار اعمال صالح به شکل گیری ملکات نفسانی (اخلاق) در وجود او می انجامد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۵۵۸-۵۶۰؛ ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۱۱۰)؛ سپس همان ملکات نفسانی، خود منشأ صدور افعال متناسب با خویش می شوند.

به اعتقاد علامه طباطبایی، خلق، یک صورت ادراکی است که در وجود انسان جای گیر می شود و در موقعیت مناسب در وی جلوه می کند و او را به اراده عمل وامی دارد. خلق ها ملکه ها و صورت های ثابتۀ نفسانی هستند که در اثر آن ها عمل مربوط به آسانی از انسان سر می زند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۱۱۱) و مانع از آن می شوند که آثار و افعالی برخلاف این صورت ها از فرد سر بزند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۵، ص. ۱۲۵)؛ در نتیجه، صدور هر عملی تحت تأثیر ملکات نفسانی، اعم از ملکات فاضله و رذیله هم هست. اگر رذایلی در نفس به وجود بیاید، کم کم انسان پاکی فطری اش را ازدست می دهد و نفس او آلوده می شود. به گفته علامه، اگر کسی از هوای نفس خود پیروی و از فرمان پروردگارش سرپیچی کند، به تدریج، استعداد فطری ای را که برای هدایت شدن دارد، باطل می کند و قابلیت هدایت شدن را ازدست می دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۲، ص. ۳۵۵).

براساس یافته های تحقیق و مطالعه آیات مربوط به ایثار مشخص شد این صفات ایمانی، صدور رفتار ایثارگرانه را تسهیل می کنند:

- خیرخواهی برای مسلمانان و مؤمنان (دعا و نیک اندیشی و طلب مغفرت برای آنها، عداوت نداشتن با مؤمنان و خیرخواهی برای آنان)؛
- چشم و دل سیری (متوقع نبودن و حسادت نکردن به ارزاق دیگران)؛
- سخاوت (مهار بخل و حرص)؛
- غیرت و ورزی در خصوص اعضای مستضعف جامعه؛
- اخلاص و اجتناب از ریا و نفاق؛
- صداقت (موافقت ظاهر با باطن، دروغ نگفتن و بهانه تراشی نکردن برای فرار از جهاد)؛

- صبوری در برابر هوای نفس و فشار امیال درونی، محرومیت‌های دنیوی، دشواری اطاعت از امر پروردگار، تحمل کردن سخنان ناهنجار و آزارهای صورت گرفته از جانب دشمنان؛
- شکرگزاری؛
- اعتماد و توکل به خدا؛
- خودکنترلی و خویش‌داری (مالک نفس خویش بودن و خودمراقبتی)؛
- شجاعت (فرار نکردن در مواقع هول‌انگیز و هنگام مواجهه با دشمن)؛
- استقامت‌ورزی و بلندهمتی (اراده قوی داشتن و پایداری در جهاد، بنیان مرصوص، سست‌نشدن و سخت‌گیری در مقابله با دشمنان)؛
- وفاکردن به عهد (ماندن بر عهد خود با رسول خدا در مواقع هول‌انگیز)؛
- عدالت‌ورزی (تجاوز نکردن از حدود خدا و اهتمام و مراقبت به آن)؛
- ترس و خشوع و خضوع در برابر مقام خدا؛
- انس یافتن با خدا و ذاکر بودن؛
- نشاط اطاعت (کسل‌نبودن در اجرای فرمان‌های خدا؛ عبودیت).

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، در پی تجزیه و تحلیل آیات و مصادیق رفتار ایثارگرانه، مبادی این رفتار در تفسیر المیزان بررسی شد و معرفت، حبّ (گرایش)، التزام عملی و صفات نفسانی نیکو به عنوان مبادی رفتار ایثارگرانه شناخته شدند. مجموع این موارد را می‌توان ذیل مفهوم ایمان جای داد و در جمع‌بندی بحث، ایمان را منشأ اصلی رفتار ایثارگرانه به‌شمار آورد. براساس دیدگاه علامه، ایمان مشتمل بر مؤلفه‌های معرفتی و گرایشی و التزام عملی است^۱؛ همچنین در وجود انسان مؤمن، صفات و خلقیاتی مبتنی بر ایمان و عمل صالح شکل می‌گیرند که آن‌ها نیز به‌نوبه خود، به تسهیل عمل کمک می‌کنند.

بدین ترتیب، در نگاه علامه، مانند هر عمل صالح دیگری شرط لازم برای رفتار ایثارگرانه، ایمان است و در غیاب ایمان به خداوند متعال، مالکیت و تدبیر و تقدیر الهی،

۱. رک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص. ۵۶۱-۵۶۳؛ ج ۱۱، ص. ۴۸۴؛ ج ۱۸، ص. ۳۸۸.

و ایمان به روز واپسین، ایثار مال و جان از نظر توجیه عقلانی و انگیزش قوی، دچار مشکل است؛ همچنین طبق موارد بررسی شده مشخص شد ایثار در جامعه ایمانی و در حق برادران ایمانی صورت می گیرد و بنابراین، یک فضیلت اجتماعی مختص جامعه اسلامی است.

براساس یافته های پژوهش، حقیقت ایثار، گذشتن از منافع یا خواسته های خود به نفع منافع یا خواسته های دیگری نیست؛ بلکه مقدم داشتن و ترجیح «من» علوی خود فرد بر «من» سفلی اوست؛ به عبارت دیگر، ایثار شخص در اصل، خدمت کردن به «من» علوی خود اوست و بر همین اساس در قرآن کریم می خوانیم: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ». انسان های ایثارگر به سبب ایمان داشتن به خدا و حیات اخروی و حقیقی و البته بسته به مراتب معرفت، ایمان و خلوص خود، به نیت ادا کردن تکلیف و تبعیت از اوامر خدا، به شوق دستیابی به رحمت الهی یا از روی عشق به خدا و محبوب خود، جان و مالشان را آن گونه که مورد رضای خداست، تقدیم می کنند؛ پس در تعریف ایثار، به جای «ترجیح دادن دیگران بر خود»، بهتر است بگوییم: «ترجیح دادن اراده و خواست خدا بر خواسته و هوای نفس خود، ترجیح دادن خشنودی خدا بر لذت حاصل از اموال خویش، و ترجیح دادن حیات طیبه و نعمت دائم و درجات عظیم اخروی بر زندگی کوتاه دنیوی خود»؛ بنابراین، رفتار ایثارگرانه عبارت از بخشش مال مورد نیاز خود به دیگر مؤمنان نیازمند یا فدا کردن جان خویش برای نجات دادن جان دیگر مؤمنان با نیت الهی برای دستیابی به کمال برتر است.

براساس یافته های پژوهش، خداوند متعال در قرآن کریم، مسلمانان و مؤمنان را به رفتار ایثارگرانه ترغیب می کند و به آنان وعده پاداش می دهد^۱، حتی در موارد مربوط به حفظ و نجات جامعه اسلامی و نجات جان مؤمنان، صریحاً به جهاد و ایثار

۱. قرآن کریم، اسراء، ۷.

۲. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ... وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (قرآن کریم، توبه، ۱۱۱).

فرمان می‌دهد^۱ و کسانی را که از ایثار و جهاد می‌گریزند، سرزنش می‌کند؛^۲ چنان‌که گاه این سرزنش، لحن تهدیدکننده می‌یابد.^۳ مسلماً تربیت انسان‌ها برای ارتکاب رفتار ایثارگرانه باید در تربیت اسلامی، جایگاه مهم‌تری داشته باشد. امید است به‌دنبال روشن‌شدن مبادی این رفتار، در گام‌های بعدی بتوان به طراحی دقیق‌تر برنامه‌های تربیتی ناظر بر ایثار مبادرت کرد.

منابع

قرآن کریم.

آقامحمدی، جواد (۱۳۹۸). واکاوی مؤلفه‌های ایثار اجتماعی در آموزه‌های قرآنی و تعیین جایگاه آن‌ها در اسناد تحولی آموزش و پرورش ایران. پژوهشنامه فرهنگ و رسانه (نامه فرهنگ و ارتباطات)، ۳(۲)، ۴۵-۷۶.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
بهرامی، محمد (۱۳۹۵). تحلیل فرایند فداکاری حداکثری در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۳). غرر الحکم و درر الکلم (جلد ۱). قم: دارالحديث.

تهرانی، مجتبی (۱۳۸۹). اخلاق الهی (جلد ۲۶). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

تهرانی، مجتبی (۱۴۰۰). سخاوت و ایثار. تهران: مؤسسه فرهنگی - پژوهشی مصابیح الهدی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تفسیر انسان به انسان. قم: نشر اسراء.
چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تحلیل و تشریح نظم نظری اجتماعی. تهران:

۱. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (قرآن کریم، بقره، ۱۹۰).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اتَّقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (قرآن کریم، توبه، ۳۸).

۳. «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرْقُلِ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (قرآن کریم، توبه، ۸۱).

نشر نی.

حبیب‌زادگان، زهرا (۱۳۹۶). مبانی فلسفی ایثار و دلالت‌های تربیتی آن از منظر اسلام. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

حسنی قره‌تپه، فاطمه (۱۴۰۰). بررسی معناشناسی واژه «ایثار» در نهج البلاغه بر مبنای نظریه معناشناسی ساخت‌گرا. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

خبازیان قراملکی، جواد؛ و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۷). تحلیل روان‌شناختی ایثار در منابع اسلامی. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۴(۲)، ۷-۱۹.

خرم‌شاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی (جلد ۱). تهران: دوستان ناهید. خسروی، رقیه (۱۳۹۱). مفهوم و مراتب عدل از دیدگاه علامه طباطبایی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

خوانساری، محمدامین (۱۴۰۳). دلایل هنجارین ایثار و از خودگذشتگی در اخلاق و حیانی. فصلنامه اخلاق و حیانی، ۲(۳۳)، ۷۷-۹۷.

راغب اصفهانی، حسین بن احمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار العلم. رفیعی، علی (۱۳۹۴). معناشناسی واژگان اخلاقی در قرآن کریم (ایثار، اخلاص، استغفار، انابه، بر، رحمت، سلام، شکر). (رساله دکتری). دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران.

روانستان، علی محمد (۱۳۸۶). فرهنگ ایثار و شهادت در نهج البلاغه و تأثیر آن بر مثنوی معنوی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز، فارس، ایران.

سلیمانی، عبدالرحیم (۱۴۰۲). چرایی ایثار اخلاقی در متون مقدس ادیان ابراهیمی. فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق‌پژوهی، ۶(۱)، ۵-۳۰.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۴). اصول فلسفه و روش رئالیسم (جلد ۲). تهران: صدرا.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (سید محمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). بررسی‌های اسلامی (سید هادی خسروشاهی، به‌کوشش). قم: بوستان کتاب.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۹). *نهایه الحکمه* (علی شیروانی، مترجم و شارح). قم: بوستان کتاب.

عباسی، زینب؛ و جوادی، محسن (۱۳۹۶). همدلی به مثابه دلیلی برای دگرخواهی و نسبت آن با اخلاق ازدیدگاه دنیل بتسون. *فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی*، ۱۱(۳)، ۲۸-۵۰.

عزیزی، بیتا (۱۳۹۳). *شناسایی و تحلیل مفهوم ایثار در آیات و روایات*، و بررسی آثار تربیتی آن. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

علیزاده، فرزانه؛ حسینی میرصفی، معصومه السادات؛ و شیرازی، محمدرضا (۱۴۰۰). مروری بر چیستی مفهوم ایثار از منظر قرآن و چگونگی آموزش آن با تأکید بر اهداف و محتوای آموزشی. *فصلنامه پژوهش های برنامه ریزی آموزشی درسی*، ۱۱(۲)، ۱۴۷-۱۶۰.

علیزاده، مهدی (۱۳۸۹). *اخلاق اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.

عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: راه رشد.

فلسفی، محمدتقی (۱۳۸۷). *اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

قانع، احمدعلی؛ و عصاره نژاد دزفولی، سینا (۱۳۹۶). دلالت های نظریه «فطرت» در نظام تربیتی اسلام. *علوم تربیتی ازدیدگاه اسلام*، ۵(۹)، ۳۷-۶۴.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *الکافی*. تهران: کتابفروشی اسلامیه.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *به سوی خودسازی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). *بیست گفتار*. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *تعلیم و تربیت در اسلام*. قم: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.

نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸). *معراج السعاده*. قم: هجرت.

واعظی، احمد (۱۳۸۱). *المیزان و پرسش های نو: مرزبان وحی و خرد (یادنامه علامه سید*

محمدحسین طباطبایی). قم: بوستان کتاب.

وجدانی، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیل مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی (ره) و ارائه الگویی نظری جهت کاهش شکاف میان معرفت و عمل اخلاقی. (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

وجدانی، فاطمه؛ ایمانی، محسن؛ اکبریان، رضا؛ و صادق زاده قمصری، علیرضا (۱۳۹۱). پایه های فطری اخلاق در نظریه علامه طباطبایی (ره) و اصول تربیتی مبتنی بر آن. فصلنامه پژوهش در زمینه تعلیم و تربیت / اسلامی، ۲۰(۱۵)، ۹-۲۷.